

به یاد غصه‌های امیرالمؤمنین(ع)

**پناهیان: «سامری» همه زحمات بنی‌اسرائیل را یک‌تنه بر باد داد/پیامبر(ص): گروهی از امت من بر دین «سامری» هستند و شعارشان «جنگ نباشد!» است/امامشان «ابوموسی» است/ابوموسی با شعار «مردم از جنگ خسته شده‌اند» نتیجه یک مذاکره شکست‌خورده را به امیرالمؤمنین(ع) تحمیل کرد**

ابوموسی اشعری با شعار «جنگ نباشد» و گفتن اینکه «مردم از جنگ خسته شده‌اند» نتیجه یک مذاکره شکست‌خورده را به امیرالمؤمنین(ع) تحمیل کرد که بعد از آن موجب خونریزی‌های فراوانی در جهان اسلام شد. به حدی که امیرالمؤمنین(ع) بعد از آن ماجرا، رسماً در قنوت نمازش ابوموسی اشعری را لعن می‌کرد.

حجت الاسلام پناهیان در بخش دوم سخنرانی خود در هیئت شهدای گمنام، پس از بیان اینکه رمضان ماه معنویت سکولار و رها کردن مردم نیست، به یاد غصه‌های امیرالمؤمنین(ع) به نکات مهمی در خصوص نقش «سامری» امت پیغمبر، یعنی ابوموسی اشعری، پرداخت. در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

### زندگی در فضای تقرب را وقتی خوب لمس می‌کنی که خیلی سیاسی و انقلابی باشی

- ما در چه صورتی در ماه مبارک رمضان بیش از یک مقدار حداقلی، به خدا مقرب خواهیم شد؟ وقتی که یک ماه رمضان ولایی، سیاسی، انقلابی، حماسی، برگزار کنیم. وقتی که یک ماه رمضان مهدوی، یک ماه رمضان منتظرانه، یک ماه رمضان انقلابی داشته باشیم.
- زندگی در فضای تقرب چه موقع خوب لمس می‌شود؟ وقتی خیلی سیاسی باشی، وقتی که دغدغه‌ها و دعا‌های تو خیلی برای رزمندگان باشد، وقتی بیشتر دعا‌هایت برای خط مقاومت دعا باشد. وقتی بنشیننی برای آنها بیندیشی و برای فرج دعا کنی. رفقا! بیاید یک مقدار انقلابی، سیاسی، اجتماعی و دینی حرکت کنیم. این معنویت‌های سکولار چیست که ما به آنها عادت کرده‌ایم؟ معنا ندارد یک جوان برای خودش نماز شب بخواند که فقط نماز شب خوانده باشد! باید ببیند که بعد از این نماز شب‌ها چه خاصیتی پیدا کرده است؟ به چه دردی می‌خورد؟ در طول روز چه کار می‌کند؟ چه عزمی دارد؟! چه نیتی دارد؟ چه قصد و چه همتی دارد؟
- می‌پرسد: چکار کنم مقرب شوم؟ انقلابی باش! انقلابی باش تا به خدا مقرب بشوی. حالا چکار کنم که انقلابی باشم؟ بالاخره یک خدمتی برای این نظام اسلامی انجام بده، یک کاری بکن، یک قدمی بردار! البته وقتی به بعضی‌ها می‌گویند: «یک خدمتی برای جامعه انجام بده!» می‌رود یک کارهایی می‌کند که اگر در آمریکا یا ژاپن یا چین هم بود، همین کارها را انجام می‌داد! یعنی یک سری خدمات اجتماعی انجام می‌دهد. منظور این نیست.

### رمضان ماه معنویت سکولار و رها کردن مردم نیست/ اگر کسی عارف شد ولی انقلابی نشد، دکان باز کرده

- از ماه رمضان‌ات برای تقرب استفاده کن. منتها بدان که ماه رمضان ماه عزلت، معنویت سکولار و فاصله گرفتن از جامعه و رها کردن مردم نیست؛ ماه رمضان ماه بازگشتن به سوی مردم است. مردم را نجات بده! و در این راه کار کن. برای ولایت، ولایتمداری، تمرین ولایتمداری برای پای رکاب حضرت کار کن! یک کاری بکن.

- فرصت ماه مبارک رمضان برای تقرب، یک فرصت طلایی است و اگر می‌خواهید خوب مقرب شوید انقلابی باشید، جهادی باشید، حماسی باشید، ولایی باشید، منتظر باشید. امت خود را از بند اسارت رها کنید، این کارها را انجام دهید تا مقرب بشوید.
- ان‌شاء الله در این ماه مبارک رمضان مقرب شوید. آن‌وقت اگر مقرب شوید، می‌فهمید که چرا هر کسی عارف می‌شود، انقلابی می‌شود؟ و چرا هر کسی انقلابی می‌شود، عارف می‌شود؟ اگر کسی انقلابی شد ولی عارف نشد، بازی در آورده است و به انقلابی‌گری هم ضربه می‌زند. و اگر کسی عارف شد ولی انقلابی نشد، دکان باز کرده است و به عرفان هم لطمه می‌زند.
- ماه مبارک رمضان ماه شهادت امیرالمؤمنین علی(ع) است. روضه‌های امیرالمؤمنین علی(ع) از جنس حماسه کربلا نیست، از جنس رنج‌هایی است که به این سادگی نمی‌شود برایش فریاد زد. همان رنج‌هایی که موجب می‌شد امیرالمؤمنین(ع) سر در چاه بگذارد و مظلومانه فریاد بزند.

### سامری» کسی بود که همه زحمات و معجزات بنی‌اسرائیل را یک‌تنه بر باد داد

- حالا به یاد غصه‌های دل امیرالمؤمنین(ع) می‌خواهیم یک روایت بخوانیم. شما می‌دانید که وقتی بنی اسرائیل از زیر بار ستم فرعون رها شدند و پیروز شدند چه معجزاتی برای‌شان رخ داد. از باز شدن رود نیل گرفته تا جوشیدن دوازده چشمه از دل سنگ برای دوازده قوم (فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا؛ بقره/۶۰) و اینکه از آسمان غذای پخته و آماده برایشان نازل می‌شد. (أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى؛ بقره/۵۷) اما همه این زحمات را یک نفر به باد داد!
- یک موسی(ع) است و یک قوم بنی‌اسرائیل و یک داستان بزرگ تاریخی و آن‌همه شکنجه و نجات و منجی و یک سامری! و سامری کسی بود که بعد از این همه معجزه، این همه شکنجه و زحمت، مردم را گوساله‌پرست کرد.

### پیامبر(ص): گروهی از امت من بر دین «سامری» هستند و شعارشان «جنگ نباشد!» است / امام اینها

#### ابوموسی اشعری است

- سلمان فارسی فرمود که پیامبر گرامی اسلام(ص) چنین می‌فرماید: «امت من به سه دسته تقسیم خواهند شد؛ ۱. فرقه‌ای بر حق هستند باطل نمی‌تواند یک ذره از آنها کم کند، مرا و بچه‌های مرا دوست دارند؛ مثل اینها مثل طلای نابی است که هرچقدر این طلای ناب را در آتش ببری و شکنجه دهی و بگدازی، جز عیار طلای او اضافه نخواهد شد. ۲. فرقه‌ای هستند که بر باطل هستند حق نمی‌تواند یک ذره از باطل بودن آنها را کم کند؛ یُبْعِضُونِي وَيُبْعِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي؛ اینها از من بدشان می‌آید و از اهل بیت من متنفر هستند. مانند آهنی که هرچقدر آنرا در آتش ببری، جز سیاهی به آن اضافه نخواهد شد تَفْتَرِقُ أُمَّتِي ثَلَاثَ فِرْقَةٍ عَلَى الْحَقِّ لَا يَنْقُصُ الْبَاطِلُ مِنْهُ شَيْئًا يَحِبُّونِي وَيَحِبُّونَ أَهْلَ بَيْتِي مِثْلَهُمْ كَمَا أَذْخَلْتَهُ النَّارَ فَأَوْقَدْتَ عَلَيْهِ لَمْ يَزِدْهُ إِلَّا جُودَةً وَ فِرْقَةٌ عَلَى الْبَاطِلِ لَا يَنْقُصُ الْحَقُّ مِنْهُ شَيْئًا مِثْلَهُمْ مِثْلُ الْحَدِيدِ كَمَا أَذْخَلْتَهُ النَّارَ فَأَوْقَدْتَ عَلَيْهِ لَمْ يَزِدْهُ إِلَّا سَرًّا؛» (امالی مفید/ص ۳۰)
- بعد می‌فرماید: «وَ فِرْقَةٌ مُدْهَدَهَةٌ عَلَى مِلَّةِ السَّامِرِيِّ؛» یک گروهی هم هستند که مذبذب هستند (یعنی در این میانه گنج هستند. معلوم نیست که دشمن اهل بیت(ع) هستند یا دوست اهل بیت(ع) هستند) اینها بر دین سامری هستند» شعار سامری چه بود؟ سامری یک شعاری داشت؛ هر کسی نزدیکش می‌شد می‌گفت «به من دست نزنید؛ لا مِسَاسَ» (سوره طه/۹۷) یعنی مرا مسّ نکنید. ظاهراً به خاطر ترس و وحشتی که از اجتماع و مردم در او پیدا شده بود و از مردم و اجتماع فراری بود. به هر حال این «لا مِسَاسَ» تکیه کلام او بوده است. پیامبر(ص) در ادامه روایت می‌فرماید: «این گروه مذبذب که بر دین سامری هستند، نمی‌گویند «لا مِسَاسَ»

بلکه تکیه کلام یا شعارشان این است «لا قتال» یعنی «جنگ؛ نه!» امام اینها عبدالله بن قیس اشعری، یعنی همان ابوموسی اشعری است؛ لَا يَقُولُونَ لَا مِسَاسَ لَكِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَا قِتَالَ إِمَامَهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ قَيْسِ الْأَشْعَرِيِّ (امالی مفید/ص ۳۰)

### ابوموسی با شعار «مردم از جنگ خسته شده‌اند» نتیجه یک مذاکره شکست خورده را به امیرالمؤمنین(ع) تحمیل کرد و موجب خونریزی‌های فراوان در جهان اسلام شد

- ابوموسی اشعری با شعار «جنگ نباشد» و گفتن اینکه «مردم از جنگ خسته شده‌اند» نتیجه یک مذاکره شکست خورده را به امیرالمؤمنین(ع) تحمیل کرد که بعد از آن موجب خونریزی‌های فراوانی در جهان اسلام شد. به حدی که امیرالمؤمنین(ع) بعد از آن ماجرا، رسماً در قنوت نمازش ابوموسی اشعری را لعن می‌کرد. (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، عَنْ عَلِيٍّ (ع): أَنَّهُ قَتَّ فِي الصُّبْحِ فَلَعَنَ مُعَاوِيَةَ وَ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ وَ أَبَا مُوسَى وَ أَبَا الْأَعْوَرِ وَ أَصْحَابَهُمْ). (امالی طوسی، ۷۲۵)
- امیرالمؤمنین خطاب به حسن بصری که در جنگ جمل طرفدار مخالفان حضرت بود، اما در جنگ شرکت نکرد، فرمود: «هر قومی یک سامری دارند و این(حسن بصری) سامری این امت(در میان بصریون) است، او مانند سامری نیست که از اجتماع می‌ترسید و لا مساس می‌گفت، بلکه از جنگ می‌ترسد و «لَا قِتَالَ» می‌گوید؛ أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيٍّ وَ هَذَا سَامِرِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ، أَمَا إِنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مِسَاسَ وَ لَكِنَّ يَقُولُ لَا قِتَالَ (احتجاج/۱/۱۷۲)
- ابوموسی اشعری نیز در روایات متعدد سامری این امت شمرده است؛ او با شعار «لاقتال» یا «جنگ نه!» در واقع آغاز فتنه‌های عظیم و جنگ‌های بزرگ را رقم کرد؛ چون پس از اشعث، او بود که کار امیرالمؤمنین(ع) را سُست کرد و کار را به فتنه‌های بعدی کشاند.
- در روایت دیگری هست که ابوموسی اشعری جاثلیق این امت است. (جَاثِلِيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ؛ خصال/۲/۵۷۵) جالب اینجاست که اینها قبل از ابوموسی اشعری(یعنی در زمان رسول خدا(ص)) گفته شده است و خبرش را از قبل داده‌اند. (شاید منظور از جاثلیق، کسی باشد که دین دارد ولی دینش از سیاست جداست) در آن زمان هم مظهر معنویت سکولار، ابوموسی اشعری بود.

